

خطاب‌های انسانی و استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان گیلکی: رویکردی شناختی

منصور شعبانی*^۱ محمدامین صراحی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۳)

چکیده

در استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات، ویژگی‌های مختلف انسان با کارکرد تحقیر یا تحبیب در ساخت‌های واژگی- نحوی مختلف توصیف می‌شود. هدف این جستار، بررسی کاربرد نام حیوانات در خطاب قرار دادن انسان، هم برای تحقیر و هم تحبیب، در زبان گیلکی (گونه اشکورات) و در چارچوب رویکرد شناختی است. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته به‌کار رفته است. صد نفر از گویش‌وران گیلکی اشکورات، فارغ از جنسیت و سن به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، برای حجم نمونه انتخاب شدند. به سبب آنکه نمونه‌های تحقیق سواد کافی برای تکمیل پرسش‌نامه نداشتند، روش مصاحبه ساخت‌یافته به‌کار رفت. در این

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

* mansour_shabani225@yahoo.com

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان

مصاحبه، پرسش‌هایی پیرامون کاربرد یا عدم کاربرد نام ۵۸ حیوان به زبان گیلکی در خطاب قرار دادن انسان (زن یا مرد)، به گونه تحقیر یا تحبیب و وصف موقعیت با مثال مطرح شد. مقایسه نتایج این تحقیق با پژوهش‌هایی مشابه در زبان‌های دیگر، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهت‌ها ناشی از انگیزه‌ای جهانی است که در قالب نظریه تجسد تبیین می‌شود. همچنین، آگاهی از بافت فیزیکی و فرهنگی را می‌توان از دلایل عمده کاربرد اختصاصی عبارت‌های استعاری در این زبان دانست.

واژه‌های کلیدی: خطاب، استعاره، تحبیب و تحقیر، گیلکی، حیوان، تشبیه.

۱. مقدمه

استعاره پدیده‌ای است که در گذشته در حوزه مطالعات و تحقیقات ادبی بررسی می‌شد؛ اما در چند دهه اخیر با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»^۱، لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰) چارچوبی بنیاد نهادند که باب تازه‌ای پیش روی علاقه‌مندان به مطالعات استعاره و علوم شناختی گشود و به نظریه استعاره‌های مفهومی معیار معروف شد. در زبان‌شناسی شناختی، نظریه استعاره درباره ماهیت شناخت مفهومی انسان است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۴) باور دارند استعاره‌ها نه تنها ابزارهای ادبی و زیباشناختی، بلکه مبنای اندیشه و تفکر انسان نیز به‌شمار می‌آیند. به گفته‌ای دیگر، انسان استعاری می‌اندیشد و با استعاره نیز زندگی می‌کند.

در زبان‌شناسی شناختی، استعاره به‌عنوان فهم یک حوزه مفهومی برپایه حوزه مفهومی دیگر تعریف می‌شود. در استعاره‌های مفهومی، دو حوزه اصلی وجود دارد: حوزه مبدأ^۴ که با آن عبارات استعاری خلق می‌کنیم و حوزه مقصد^۵ که می‌کوشیم تا آن را درک کنیم. میان عناصر سازنده حوزه مبدأ و مقصد مجموعه نظام‌مندی از تناظرها وجود دارد که نگاشت^۶ نامیده می‌شود. برای درک استعاره مفهومی^۷، باید مجموعه‌ای از نگاشت‌ها را دریافت؛ به همین سبب در نظریات شناختی، استعاره‌ها را مستقیم به اندیشه ربط می‌دهند. در استعاره‌های مفهومی، حوزه مبدأ به‌طور معمول مفهومی ملموس است؛ در صورتی که

حوزه مقصد مفهومی انتزاعی‌تر به کار می‌گیرد. برای نمونه در استعاره «زندگی سفر است»، «سفر» حوزه مبدأ و «زندگی» حوزه مقصد است. از دید لیکاف و جانسون، استعاره‌ها نقشی اساسی در فعالیت‌های ادراکی ما دارند. همچنین استعاره تنها ویژگی‌های سبک‌شناختی زبان را نشان نمی‌دهد، بلکه سرچشمه و مبنای تفکر انسان است.

استعاره‌های برپایه نام حیوانات^۸ در تمام فرهنگ‌ها و زبان‌ها رایج است، برای مثال شیر نمایانگر شجاعت است. گرچه ممکن است در برچسب‌ها و معانی ضمنی تفاوت‌های بسیاری وجود داشته باشد، اما استعاره مفهومی کلی «انسان حیوان است»، در همه فرهنگ‌ها وجود دارد (وانگ^۹ و دوکر^{۱۰} ۲۰۰۷ به نقل از کوچسس^{۱۱}، ۱۹۹۷). از این‌رو، می‌توان آن را حتی یک جهانی زبان‌شناختی نیز دانست.

نام حیوانات بارها در گفتار و اصطلاحات به کار می‌رود و بیانگر انواع احساس، تفکر و تخیل است. به عقیده لورنس^{۱۲} (۱۹۹۳)، از طریق ارجاع به حوزه حیوانات، نیاز انسان به بیان استعاری به بهترین شکل محقق می‌شود. حوزه مبتنی بر نام حیوانات، مبدأ بسیار زیبایی به شمار می‌آید و انسان بیشتر براساس ویژگی‌های حیوانات وصف می‌شود (کوچسس، ۲۰۰۲: ۱۹). اکنون می‌توان پرسید علل آن چیست؟ در مطالعات پیشین، به چرایی این امر اشاره‌هایی شده است؛ برای مثال، رودریگز^{۱۳} (۲۰۰۹) ادعا می‌کند انسان از دانش خود درباره جهان طبیعی برای ساخت وجود اجتماعی معنی‌دار بهره می‌گیرد و استعاره «انسان حیوان است» شاهد خوبی است برای این مدعا. شپرد^{۱۴} (۱۹۷۸) به نقل از سومر^{۱۵} و سومر (۲۰۱۱) نیز معتقد است «آرایه‌های ادبی مبتنی بر نام حیوانات [...] انسان را قادر می‌سازد که ویژگی‌ها و خصلت‌ها را عینیت ببخشد».

در این پژوهش، کاربرد نام حیوانات در خطاب کردن انسان هم به صورت تحقیرآمیز^{۱۶} و هم به صورت تحبیبی^{۱۷} در زبان گیلکی بررسی می‌شود. پرسش‌های اصلی تحقیق بدین شرح است:

۱. کاربرد استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات بیشتر به صورت اصطلاحات تحبیبی است یا تحقیرآمیز؟

۲. هر یک از این کاربردها به کدام مقوله‌های معنایی اختصاص دارند؟

۳. استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات، بیشتر در کدام ساخت واژی- نحوی به-کار می‌روند؟

۴. تبیین پاسخ‌های این پرسش‌ها چیست؟

زبان گیلکی از گروه زبان‌های شمال‌غرب یا گروه زبان‌های کرانه جنوب دریای خزر (پورهادی، ۱۳۸۵: ۱۴) که در استان گیلان و بخش‌های محدودی از استان‌های هم‌جوار رایج است. مردم شهرستان‌های رودسر و املش به گونه گیلگی اشکورات گفت‌وگو می‌کنند؛ از جمله ساکنان بخش رحیم‌آباد (شامل چهار دهستان) از توابع رودسر و دهستان‌های سمام و کجید از بخش رانکوه املش. این گونه گیلکی حدود ۳۰ هزار نفر گویش‌ور دارد.

در ادامه پس از بیان پیشینه، در بخش روش تحقیق از شرکت‌کنندگان، ابزارهای تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها صحبت خواهد شد و سپس نتایج تحقیق عرضه و توصیف می‌شود. بخش پایانی نیز به مبحث تحلیل نتایج اختصاص دارد.

۲. پیشینه تحقیق

در چند سال اخیر، زبان‌شناسان استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات را در چند زبان بررسی کرده‌اند. مقاله مشترک هالوپکا- رشتار^{۱۸} و رادیچ^{۱۹} (۲۰۰۳) را نخستین پژوهش در این زمینه می‌توان دانست. این پژوهش درباره کاربرد نام حیوانات در خطاب کردن انسان است که می‌تواند به صورت تحبیبی باشد یا تحقیری؛ اما در هر دو صورت، نمایانگر نگرش گوینده به مخاطب است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در زبان صربی، نام حیوانات بیشتر به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز^{۲۰} به‌کار می‌رود تا اصطلاحات تحبیبی^{۲۱}. در کاربرد نام حیوانات به صورت تحقیر، معانی‌ای همچون اندازه، عادت‌های غذاخوردن،

شخصیت و یا هوش مخاطب وصف می‌شود و ساخت ندایی^{۲۰} نیز پرکاربردترین ساخت برای انتقال آن است. در صورتی که کاربرد نام حیوانات به گونه‌ی تحیب، درباره‌ی اندازه، سن و نابالغی حیوان است. هرچه اندازه‌ی حیوان کوچک‌تر و سن آن کمتر باشد، بیشتر در تحیب به‌کار می‌آید. در این کاربرد نیز ساخت ندایی بیش از دیگر ساخت‌ها استفاده می‌شود. پس از انتشار این مقاله، برخی از متخصصان پژوهش‌های مشابهی در زبان‌های دیگر انجام دادند که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح است:

کالین^{۲۳} (۲۰۰۵) درباره‌ی اصطلاحات مبتنی بر نام حیوانات^{۲۴} در دو زبان انگلیسی و سوئدی با تمرکز بر مطابقت و تنوع در بیان و محتوا تحقیق کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نیمی از اصطلاحات مبتنی بر نام حیوانات در انگلیسی، معادلی در زبان سوئدی دارند و در هر یک از این معادل‌ها، نام یک حیوان وجود دارد. افزون‌بر این، اصطلاحات مبتنی بر نام حیوانات در زبان‌های انگلیسی و سوئدی که معادل یکدیگرند، بیشتر ساختی یکسان دارند.

وانگ و دوکر (۲۰۰۷) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در دو زبان چینی و انگلیسی را بررسی کرده‌اند. این تحقیق، بیانگر تفاوت‌ها و شباهت‌های کودکان و بزرگسالان چینی‌زبان و انگلیسی‌زبان در درک استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات است. عمده‌ترین فرضیه‌های این پژوهش عبارت است از:

الف) بزرگسالان در مقایسه با کودکان، تعبیر روان‌شناختی بیشتری داشتند؛
ب) کودکان بیشتر از بزرگسالان تعبیر ادراکی به دست دادند؛
ج) کودکان انگلیسی‌زبان در مقایسه با کودکان چینی، تعبیر ادراکی بیشتری داشتند.

رودریگز (۲۰۰۹) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی را بررسی کرده است که برای زنان به‌کار می‌رود. او می‌گوید گویش‌وران این دو زبان، تفاوت‌های جنسیت را برحسب آرایه‌های مبتنی بر نام حیوانات درک می‌کنند. در هر دو زبان، استعاره‌هایی وجود دارد که زنان را به جوجه، سگ و یا روباه ماده تشبیه می‌کند و استعاره‌های مردان نیز براساس

قدرت، اندازه و محل زندگی شکل گرفته است. درحقیقت، در هر دو زبان گرایشی دیده می‌شود که زنان را موجوداتی پست‌تر و وابسته به مردان نشان می‌دهد.

زاموسفالوی^{۲۵} (۲۰۱۱)، کاربرد نام حیوانات براساس خطاب و توصیف (هم به صورت تحقیرآمیز و هم تحیب) را در زبان‌های انگلیسی و مجاری با یکدیگر مقایسه کرده است. شرکت‌کنندگان این تحقیق، ۵۴ نفر گویش‌ور انگلیسی و ۶۶ نفر گویش‌ور مجاری بودند. نتایج اصلی این تحقیق عبارت است از:

الف) در زبان انگلیسی خوک، جوجه، میمون و سگ/توله‌سگ بیشتر از دیگر حیوانات به صورت ندایی به کار می‌رود، درحالی‌که در زبان مجاری مرغ و حلزون بیشترین کاربرد را دارد؛

ب) محل زندگی، جنسیت و سن تأثیر بسزایی در کاربرد نام حیوانات دارد؛

ج) تفاوت‌های اندکی در این دو زبان، در کاربرد نام حیوانات برای خطاب-کردن مردان یا زنان به صورت تحقیرآمیز و به صورت تحیبی وجود دارد؛
د) بیشتر نام‌های حیوانات به‌کاررفته در این دو زبان، به وصف شخصیت و ظاهر اختصاص دارد و هوش و عادت‌های غذاخوردن کمتر در کانون توجه است.

ه) تفاوت‌های برجسته‌ای میان دو زبان در ساخت واژی- نحوی که استعاره‌های ندایی مبتنی بر نام حیوانات^{۲۶} در آن به‌کار می‌روند، مشاهده نشد.

استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان‌ها و زمینه‌های دیگر نیز بررسی شده که یادکرد همه آن‌ها از چارچوب این جستار خارج است. در اینجا تنها شماری چند معرفی می‌شود: سیلاشکی^{۲۷} (۲۰۰۹) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در اصطلاحات تجارتي زبان انگلیسی را نشان داده است. گوتلی^{۲۸} (۲۰۰۶) نیز تلویحات ایدئولوژیکی تعابیر مختلف جمله «انسان حیوان است» را بررسی کرده است. مقاله آلتیو^{۲۹} (2005) به تحلیل و تفسیر استعاره‌های

مبتنی بر نام حیوانات در زبان یروبا اختصاص دارد. سومر و سومر (۲۰۱۱) نیز کاربرد استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در توصیف ویژگی‌های شخصیتی انسان را بررسی کرده‌اند.

تاکنون در زمینه استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان گیلکی، هیچ پژوهشی انجام نگرفته و در زبان فارسی نیز مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته است. برای مثال، فقیه (۲۰۰۱)، شهابی و روبرتو^{۳۰} (۲۰۱۵) میان استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان‌های فارسی و انگلیسی مقایسه‌هایی انجام داده‌اند. هدف فقیه از این مقایسه، پی‌بردن به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین تعبیر استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در این دو زبان و تأثیر آن‌ها در یادگیری زبان دوم است. از نتایج مهم تحقیق وی آن است که زبان‌آموزان در مواردی که معنای مدنظر در زبان اول و دوم همسان باشد، اما از ابزارهای صوری متفاوتی در بیان استفاده شود، مرتکب خطا می‌شوند. نتایج پژوهش شهابی و روبرتو نیز نشان می‌دهد ویژگی‌های فیزیکی و رفتار حیوانات، عامل مهمی در کاربرد استعاری حیوانات و یا تعبیر آن‌ها به‌شمار می‌آید، اما تنها عامل تعیین‌کننده نیست. عوامل دیگری نیز مانند فرهنگ، ویژگی‌های زبان و آن‌دسته از ویژگی‌های رفتاری حیوانات که به فرهنگ نسبت داده می‌شود، در این امر اثرگذارند. نخاولی و استاجی (۱۳۸۸) نیز کاربرد مجازی نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی با رویکرد معنایی - شناختی را بررسی کرده‌اند. برپایه نتایج این پژوهش، نام حیواناتی همچون الاغ، گاو، سگ و از میان پرندگان، نام مرغ و خروس بیشترین کاربرد را در ساخت ضرب‌المثل‌های فارسی داشته‌اند. در این پژوهش، معانی‌ای که از طریق کاربرد مجازی نام این حیوانات منتقل می‌شود، بررسی شده‌اند.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش، روش پیمایشی^{۳۱} به‌کار رفته و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد،

گیلکی اشکورات حدود ۳۰ هزار گویش ور دارد. این جمعیت جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهد و حجم نمونه تحقیق نیز از این جامعه آماری باید انتخاب شود. حجم نمونه تحقیق هالوپکا- رشتار و رادیچ (2003) را ۹۴ دانشجوی سال سوم و چهارم رشته زبان شناسی که زبان مادری آن ها صربی بود، تشکیل می داد. اشکال بزرگ این حجم نمونه آن است که به طور معمول، دانشجویان دانشگاه تحت تأثیر زبان های دیگرند و نمی توانند نمایندگان واقعی زبان مادری اصیل باشند. بنابراین، نگارندگان تحقیق حاضر برای رفع این چالش، ترجیح دادند که حجم نمونه تحقیق را از میان افراد بی سواد و یا افرادی با تحصیلات ابتدایی انتخاب کنند. این افراد تحت تأثیر زبان فارسی معیار نیستند، تک زبانه اند و تنها به گیلکی اشکورات اصیل گفت و گو می کنند. صد نفر از افراد یادشده، فارغ از جنسیت و سن، به روش خوشه ای چند- مرحله ای برای حجم نمونه انتخاب شدند.

برای گردآوری داده ها از حجم نمونه تحقیق، ابزار این تحقیق (پرسش نامه محقق ساخته)، برای اعتبارسنجی، در اختیار چند صاحب نظر این حوزه گذاشته شد و دیدگاه آنان سبب رفع برخی از کاستی ها گردید. از آنجا که حجم نمونه تحقیق سواد کافی برای تکمیل پرسش نامه نداشت، از روش مصاحبه ساخت- یافته^{۳۲} بهره گرفته شد. در این روش، ساختار و مراحل مصاحبه و همچنین پرسش ها و ترتیب آن ها از پیش تعیین شده است و محقق تنها پرسش ها را با همان ترتیب از شرکت کنندگان می پرسد و بدون دخل و تصرفی آن ها را تکمیل می کند. در پژوهش حاضر نیز نگارندگان همین روش را به کار بسته اند. مصاحبه ساخت یافته این تحقیق شامل نام ۵۸ حیوان در گیلکی است (معادل فارسی آن ها نیز آمده است):

خطاب‌های انسانی و استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات... منصور شعبانی و همکار

جدول ۱: نام حیوانات و معادل آن‌ها در زبان فارسی

گاو /gav/	گاو نر (برای جفت‌گیری) /kəlgə/	گاو نر اخته‌شده (برای شخم‌زدن) /vərzə/
سگ /səg/	سگ شکاری /tullə/	سگ ماده /meli/
/kərk/, /kərk ə məsnuʔi/	خروس /tələ/	جوجه /dʒydʒə/
مرغ، مرغ مصنوعی		
اردی /bili/	غاز /qaz/	گوسفند /gusund/
بز /buz/	گراز /xuk/	پلنگ /pələng/
شیر /ʃir/	اخر، الاغ /ʔulaq/	اسب /ʔasb/
jabu/اسبی که معمولاً برای بارکشی از آن استفاده می‌کنند.	اسب ماده /maden/	قاطر /qatər/
ببر /bəbr/	خرس /xərs/	گرگ /dʒonəvər/, /vərg/
زرافه /zərrafə/	میمون /mejmun/	موش /muʃ/, /gərzə/
گربه /pytʃə/	مار /mar/	قورباغه /qurbaqə/
شغال /ʃa:l/	روباه دم‌بلند /loʔas/	کوکو /kokke/

بلبل/bulbul/	کبک/zərədʒ/	زنبور/siftal/
کرکس/dal/	کک/subul/	/səpəl/ حشرات ریز و خون- خواری که بیشتر مجاور حیوانات یافت می‌شوند، به بدن آنها می‌چسبند و خون آنها را می‌مکند.
کنه/kənə/	بلدرچین/vəʃəm/	مگس/məgəz/
/xər məgəz/ خرمگس	عقاب/ʔuqab/	جغد /Kyrbī/
دزیند/ɖʒindʒir/ الیکایی (کوچک‌ترین پرنده)	کالکافس/کالکافس- ریسک سرآبی	دبلاسکن/dublaskən/ دم‌جنبانک سفید
شتر/ʃutur/	کره‌خر/xər korə/	توله خرس/xərs kulə/
بچه‌گراز/xuk kulə/	/hejvan bətʃə/ توله حیوان	/ʃir bətʃə/ توله شیر
توله-pələng kute/ پلنگ	توله‌سگ/səg kule/	بچه‌گربه/pytʃə kutə/

نام حیوانات از هر یک از شرکت‌کنندگان به این ترتیب پرسیده شد: الف) آیا نام این حیوان را برای خطاب کردن انسان به‌کار می‌برید؟ در صورت پاسخ مثبت، برای خطاب کردن زنان یا مردان و یا هر دو؟ ب) نام این حیوان را برای تحقیر به‌کار می‌برید یا تحبیب؟ ج) جمله‌ای مثال بزنید که در آن، نام این حیوان برای خطاب کردن انسان به‌کار رفته باشد؛ د) موقعیتی وصف کنید که در

آن نام این حیوان را به کار می‌برید. در نهایت، از آن‌ها پرسیده می‌شود آیا نام حیوانی وجود دارد که محققان به آن اشاره نکرده‌ند و آن‌ها را به کار می‌برند^{۳۳}. پس از مصاحبه ساخت‌یافته، توصیفی از داده‌ها به دست می‌آید. سپس شباهت‌ها و تفاوت‌ها (ویژگی‌های متمایزکننده) در قالب نظریه استعاره‌های مفهومی - آن‌گونه که کوچس (۲۰۰۵) مطرح کرد- تجزیه و تحلیل می‌شود. گفتنی است تنها نام حیواناتی در توصیف و تحلیل در نظر گرفته می‌شوند که بیش از ۵۰ درصد گویش‌وران در موقعیت‌های مشخص به کار می‌برند.

۴. موقعیت‌ها، دلالت‌ها و معناها

در این بخش، نخست داده‌های پژوهش با توجه به سه ویژگی کاربرد نام حیوانات به صورت اصطلاحات تحبیبی و یا تحقیری، معانی و موقعیت‌ها و کاربرد نام حیوانات در خطاب قرار دادن زنان یا مردان و یا هر دو تقسیم‌بندی و سپس وصف می‌شود.

۴-۱. کاربرد تحبیبی نام حیوانات گیلکی

تمام نام حیواناتی که به صورت اصطلاحات تحبیبی به کار می‌روند، شخصیت انسان را توصیف می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: توصیف کاربرد تحبیبی نام حیوانات در وصف شخصیت انسان

مثال	در وصف انسانی به کار می‌رود که ...	نام حیوان
mi rizakon gusənd-ə monən. بچه‌های من مثل گوسفند هستند.	آرام، مظلوم، بی‌آزار و بی-سروصداست.	/gusund/
pir-ə ʔəmə ʔajni buz. پیر هست، اما مانند بز است.	زبر و زرنگ، چابک، سبک و فرز است، طوری که از سنگ و صخره و دیوار، خوب بالا می‌رود.	/buz/
ʔi donja men ʔadəm buz nobon zərər konə. در این دنیا آدم بز نباشد، ضرر می‌کند.	زیرک، هوشیار، تیز، با دست و پا و ناقلاست.	/buz/
kofti ʔinə hərf nədarə, pələng-ə moson girə. کُشتیش (کشتی‌اش) حرف ندارد. مثل پلنگ (حریفش) می‌گیرد.	شجاع، قدرتمند، جسور و پرجرئت است.	/pələng/

<p>ʔi kar jə tə fir (mərd) xanə. برای این کار یک شیر (مرد) لازم است.</p>	<p>قدرتمند، شجاع، مقتدر و استوار است.</p>	<p>/fir/</p>
<p>tʃə bar-ə rə bəbr-ə monə. در حمل بار چوب، مثل بیر است.</p>	<p>رشید و قوی است.</p>	<p>/bəbr/</p>
<p>ʔifən firzən, ʔajni pytʃə. این‌ها فرزندان، مثل گربه‌اند.</p>	<p>فرز و سبک است، طوری که از درخت و دیوار خوب بالا می‌رود.</p>	<p>/pytʃə/</p>
<p>ʔimsal kəʃavərzən kokke bobon. امسال کشاورزها (مثل) کوکو شدند.</p>	<p>مصیبت‌زده، بلا دیده، بیچاره، غصه‌دار، ماتم‌زده، شکست- خورده و در عذاب است.</p>	<p>/kokke/</p>
<p>ʔadəm bə tənəsibon bulul-ə moson sobət bokonə. آدم باید بتواند مثل بلبل صحبت کند.</p>	<p>خوش صحبت، سخنور و خوش‌آواز است.</p>	<p>/bulbul/</p>
<p>ra ʃon zərədʒ-ə monə. در راه رفتن مثل کبک است.</p>	<p>زبروزرنگ، چابک، تیز، پر- انرژی و پرجنب‌وجوش است.</p>	<p>/zərədʒ/</p>

subul-ə moson kar dərəm. مثل کک دارم کار می‌کنم.	سبک‌وزن، پرتحرک و پیر- انرژی است.	/subul/
tu ?ajnəxudi ?uqab. tʃu ta ?ujə bədi? تو شبیه عقاب هستی؟ چطور تا آنجا را دیدی؟	چشمان تیزی دارد.	/?uqab/

۲-۴. کاربرد تحقیرآمیز نام حیوانات گیلکی

۱-۲-۴. کاربرد نام حیوانات در وصف ظاهر انسان

جدول ۳: توصیف کاربرد تحقیرآمیز نام حیوانات در وصف ظاهر انسان

مثال	در توصیف انسانی به کار می‌رود که ...	نام حیوان
zahir durusə kəlgə, ?in-ə kəllə həm kar nokonə. در ظاهر مثل گاو نر است، کله‌اش هم کار نمی‌کند.	مرد گنده، هیکلی، عظیم- الجثه و با یال و کوبال است.	/kəlgə/
?un-ə laku durusə jə tə dʒydʒə. دخترش درست مثل جوجه است.	کوتاه‌قد، کوتوله و ریزمیزه است.	/dʒydʒə/
?ajnəxudi bili ra bəfi. مانند اردک راه می‌رود.	هنگام راه رفتن و تکان- خوردن بدنش از پشت، همانند اردک است، بدین معنی که بدنش به هر دو سو تکان می‌خورد.	/bili/
?in-ə gərdən tʃər ?uto	گردن دراز و باریکی دارد.	/qaz/

hisə? ʔajnəxudi qaz. گردنش چرا آن‌طوری است؟ مثل غاز است.		
ʔidzur piʃ bəʃi vəki jə tə xərs. همین‌طور پیش‌بری، مثل خرس میشی.	گنده، چاق و بدقواره است.	/xərs/
bazi rizə ʔandi qəd kəʃən vəkan jə tə zərrafə. بعضی بچه‌ها این‌قدر قد می- کشن که میشن زرافه.	قدبلند است.	/zərrafə/
ʔun qəjafə nədarə de, mejmun-ə monə. قیافه نداره که، مثل میمونه.	بدقیافه و بدترکیب است.	/mejmun/
qurbaqə monə, vəli xub kuʃti girə. شبییه قورباغه است، ولی خوب کشتی می‌گیره.	کوتاه‌قد، کوتوله و بدقواره است.	/qurbaqə/
dah sal sən darə, vəli ʔajnəxudi jə tə dʒindʒir. ده سال سن داره، ولی مثل پرندهٔ الیکایی (کوچک‌ترین پرنده) است.	ریزنقش است و جثهٔ کوچک و کم‌وزنی دارد.	/dʒindʒir/

۲-۲-۴. کاربرد نام حیوانات در بیان ضعف هوش انسان

جدول ۴: توصیف کاربرد تحقیرآمیز نام حیوانات در وصف ضعف هوش انسان

مثال	در وصف انسانی به کار می‌رود که ...	نام حیوان
dərs-ə rə durusə jə tə gav. hitʃi vəkətə mənə. در درس درست مثل گاو است. نمی‌تونه برای خودش کسی بشه.	بی‌استعداد، گیج، حواس- پرت و منگ است.	/gav/
vərzə moson ʔadəm-ə vərə ʃo:on. مثل گاو نر اخته‌شده (برای شخم‌زدن) از کنار آدم رد می‌شه.	مرد نفهم، بی‌فکر، بی- توجه و بی‌اعتناست.	/vərzə/
har tʃi həm tʃəkən bəzəni hali nobun. ʔuləq-ə monə. هر چقدر هم فک بزنی، حالی‌ش نمی‌شه. مثل خر/ الاغ می‌مونه.	نفهم، کودن و نادان است.	/ʔuləq/
ʔin-ə niga gudən noʃon də tʃendi dal-ə. نگاه کردنش نشون می‌ده که چقدر کرکس است.	حواس‌پرت، گیج و منگ است.	/dal/

خطاب‌های انسانی و استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات... منصور شعبانی و همکار

۳-۲-۴. کاربرد نام حیوانات در بیان شخصیت انسان

جدول ۵: توصیف کاربرد تحقیرآمیز نام حیوانات در وصف شخصیت انسان

مثال	در وصف انسانی به- کار می‌رود که ...	نام حیوان
ta gəv zəni ʔadəm-ə həmrə dəva girə, fɑʃ hɑgirə. ʔajnəxudi səg. همین که حرف می‌زنی، شروع می‌کنه به دعوا و فحش دادن. مثل سگه.	بدجنس، بداخلاق و پرخاشگر است.	/səg/
tulə mɔson fəqət gərdə, kər nokunə de. مثل سگ شکاری فقط می‌گرده، کار نمی‌کنه که.	ولگرد و اوباش است.	/tullə/
ʔin-ə zahir-ə niga nokon, myrdim gon meli hisə. به ظاهرش نگاه نکن. مردم می‌گن مانند سگ ماده است.	زن بددهن، بی‌بندوبار، بدکاره و بی‌حیاست.	/meli/
مثال	در وصف انسانی به- کار می‌رود که ...	
kərk-ə monə, xo gəv-ə mene bəzənə. مثل مرغه، حرف خودش نمی‌تونه بزنه.	ضعیف، بی‌رمق، ناتوان و ترسو است.	/kərk/, /kərk ə məsnuʔi/
tʃendi doʃur boʃur koni! bili mɔson fəqət ʔab-ə men dəri. چقدر شست‌وشو می‌کنی!	در فعالیت‌هایش از آب زیاد استفاده می‌کند و همواره در حال شستن	/bili/

مثل اردک فقط داخل آب هستی.	ظرف، لباس و جز آن است.	
xərid-ə sər buz-ə monə. در خرید مثل بز هست.	زیرک، هوشیار، تیز، با دست و پا و ناقلاست.	/buz/
dʒəm-ə men nəje, səlam həm bələd nəje. ʔajnəxudi xuk. تو جمع نمی‌آد، سلام- کردن هم بلد نیست. شبیه گراز است.	هیچ‌چی نفهم، بی‌تمدن، غیراجتماعی و مردم‌گریز است و اهل معاشرت هم نیست.	/xuk/
tʃiz-ə bəd-ə hərgəz jada nokonə. ʔajnəxudi pələng, xejli kinəvər-ə. هیچ‌چیز بد رو فراموش نمی‌کنه. شبیه پلنگ است، خیلی کینه‌توز است.	کینه‌توز است.	/pələng/
futbal-ə men ʔasb-ə moşon xo pə xejli dʒor havərə. در فوتبال، مثل اسب پاش ^۱ خیلی بالا می‌آره.	در بازی یا شوخی کاری مخاطره‌آمیز می‌کند؛ برای مثال، پا را خیلی بالا می‌آورد.	/ʔasb/
jəbu nəjam də handi bər mər kola da dəri! اسب بارکش نیستم که این قدر بار روی کولم می‌ذاری!	معمولاً بارهای سنگین حمل می‌کند.	/jəbu/
mərdəkon-ə vər jə dʒur sobət konə ʔadəm xədzələt kəfə. maden-ə monə.	زن بی‌حیا، بی‌شرم، بی‌عفت و فاسد است.	/maden/

پیش مردها طوری صحت می‌کنه که آدم خجالت می- کشه. مثل اسب ماده است.		
de vǝrg bobe. hǝmǝtʃi ʔadǝm-ǝ dʒi xanǝ. دیگه شبیه گرگ شده. همه چیز از آدم می‌خواهد.	حریص و جاه‌طلب است.	/dʒonǝvǝr/, /vǝrg/
مثال	در وصف انسانی به- کار می‌رود که ...	
ʔajnǝxudi gǝrzǝ, hartʃi dʒa vadi pejda konǝ. مثل موشه؛ هر چی رو منخفی کنی، پیدا می‌کنه.	چیزی را که از او منخفی می‌شود، پیدا می‌کند.	/muʃ/, /gǝrzǝ/
mǝr-ǝ monǝ, hǝrvǝxt ʔin-ǝ vǝr boʃom mǝr zǝrǝr bǝze. مثل مار است. هر وقت پیشش رفتیم، به من ضرر رسانده.	مستعد آسیب‌زدن، ضرر زدن و بدی کردن به راه‌های مختلف است.	/mǝr/
dǝva men ʃa:l-ǝ monǝ. در دعوا مثل شغال است.	ترسو و بزدل است.	/ʃa:l/
hǝrgǝz ʔin-ǝ ʔetǝmad nokon. xejli loʔas-ǝ هرگز بهش اعتماد نکن. خیلی شبیه روباه دم‌بلند است.	دورو، حيله‌گر و دويه- هم‌زن است.	/loʔas/

<p>ʔin-ə gəv nəbə zan. durusə siftal. باهاش نباید حرف زد. درست مثل زنبوره.</p>	<p>شر است و حتی برای مسائل جزئی و پیش پاافتاده درگیر می شود.</p>	/siftal/
<p>hərdʒa ʃo:m mi dunbəl hame. səpəl vəkəte. هر جا می رم، دنبالم می- آید. مانند حشره ریز و خون- خوار شده.</p>	<p>سمج و بدپيله است.</p>	/səpəl/
<p>kənə vəkə ʔadəm- ə vila nokonə. کنه بشه، آدم رو ول نمی- کنه.</p>	<p>بدپيله است.</p>	/kənə/
<p>tu ʔimruz məgəz bebe. nugzari kər bokonim. تو امروز مگس شدی. نمی گذاری کار کنیم.</p>	<p>مزاحم است.</p>	/məgəz/
<p>Kyrbi hisə, zəjad dər birun nəjə. جفده. زیاد (از خونه) بیرون نمی آید.</p>	<p>گوشه گیر و منزوی است.</p>	/Kyrbi/
<p>haməʃ fəqət dʒir dʒor ʃo:n de. dublaskən bobe. همواره فقط بالا و پایین می ره دیگه. مثل دم جنبانک سفید شده.</p>	<p>جنب و جوش فراوان و بی دلیلی دارد.</p>	/dublaskən/

۴-۲-۴. کاربرد نام حیوانات در بیان عادت‌های ناپسند غذا خوردن انسان

جدول ۶: توصیف کاربرد تحقیرآمیز نام حیوانات در وصف عادت‌های ناپسند غذا خوردن

انسان

مثال	در وصف انسانی به کار می‌رود که ...	نام حیوان
<p><i>dʒəngəl-ə</i> <i>menəkə, xərs-ə</i> <i>məson hɑrtʃi xordəni</i> <i>bobon xorə.</i> وارد جنگل که می‌شه، مثل خرس هرچی خوردنی باشه می‌خوره.</p>	<p>همه‌چیز خوار است و بدون توجه به تضاد خوراکی‌های مختلف، هر چیزی می‌خورد (و نه نمی‌گوید).</p>	<i>/xərs/</i>
<p><i>ʔin-ə həmrə qəzə</i> <i>xordə nəʃə de, vərg-ə</i> <i>monə.</i> با این غذا نمی‌شه خورد که. مثل گرگه.</p>	<p>پرخور است و حق هم - سفره خود را نیز به جا نمی‌آورد.</p>	<i>/dʒonəvər/, /vərg/</i>

براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، از نام ۵۸ حیوان، ۴۳ حیوان برای خطاب قرار دادن انسان به کار می‌رود. از این شمار، نام ۳۸ حیوان تنها یک معنی و نام پنج حیوان دیگر (*/dʒonəvər /xərs/ /pələng/ /buz/ /bili/*) دو معنی کاملاً متفاوت دارد. از این رو، نام حیوانات در زبان گیلکی در ۴۸ معنی کاربرد دارد. داده‌ها، درباره کاربرد تحبیبی و یا تحقیری نشان می‌دهد نام حیوانات در ۳۶ مورد (از ۴۸ تا) به صورت تحقیرآمیز و در ۱۱ مورد برای تحبیب به کار می‌رود. به بیانی دیگر، کاربرد نام حیوانات در خطاب قرار دادن انسان، ۲۳/۰ تحبیبی و ۷۵/۰ تحقیرآمیز است. این بدان معناست که در زبان گیلکی، نام حیوانات بیشتر به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز به کار می‌رود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، */buz/* بر دو معنی دلالت می‌کند. نام این حیوان به معنی «زرنگی»، بسته به بافت موقعیت، می‌تواند به صورت تحبیبی یا

تحقیق‌آمیز تعبیر شود؛ از این رو، نام آن در این کاربرد در آمار توصیفی محاسبه نشده است.

همان‌طور که اشاره شد، براساس دیدگاه شرکت‌کنندگان، نام حیوانات در زبان گیلکی در ۴۸ معنی کاربرد دارد. این معانی را می‌توان در چهار زمینه کلی ظاهر، هوش، شخصیت و عادت‌های غذاخوردن قرار داد. براساس این تقسیم‌بندی می‌توان گفت از این معانی، ۹ مورد در وصف ظاهر، ۴ مورد در بیان هوش، ۳۳ مورد درباره شخصیت و ۲ مورد در توصیف عادت‌های غذاخوردن است. درصد کاربرد نام حیوانات در این معانی بدین شرح است:

• ظاهر: ۱۸/۷۵

• هوش: ۸/۳۳

• شخصیت: ۶۸/۷۵

• عادت‌های غذاخوردن: ۴/۱۶

گفتنی است که کاربرد نام حیوانات گیلکی در اصطلاحات تحبیبی، تنها برای شخصیت است؛ در حالی که کاربرد اصطلاحات تحقیرآمیز وسیع‌تر است و معانی ظاهر، هوش، شخصیت و عادت‌های غذاخوردن را نیز دربر می‌گیرد. افزون‌براین، پاسخ شرکت‌کنندگان به پرسش‌های تحقیق نشان می‌دهد نام دو حیوان (/maden/ /meli/)، تنها برای زنان و نام دو حیوان (/varzə/ /kəlgə/)، فقط برای مردان به کار می‌رود.

بررسی مثال‌های پیشنهادی گویش‌وران نشان می‌دهد در زبان گیلکی، ساخت واژی- نحوی تشبیه، پرکاربردترین ساختی است که استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در آن کاربرد دارد. نزدیک به ۹۰ درصد از این مثال‌ها، ساخت تشبیه داشتند و تنها شمار اندکی از آن‌ها در ساخت ندایی قرار می‌گرفتند.

۵. تحلیل

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مطالعات قبلی (که در پیشینه آمد) از دو سو یکسان است:

- نام حیوانات بیشتر به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز به کار می‌رود تا اصطلاحات تحبیبی.

- بیشتر نام‌های حیوانات به وصف شخصیت و ظاهر اختصاص دارد و هوش و عادت‌های غذاخوردن کمتر دیده می‌شود. در مقابل، تفاوت‌هایی نیز میان زبان‌ها در حوزه استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات برقرار است. برخی ویژگی‌های متمایزکننده زبان گیلکی چنین است:
 - ساخت واژی- نحوی تشبیه، پرکاربردترین ساختی است که استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در آن به کار می‌روند.
 - نام دو حیوان، تنها برای زنان و نام دو حیوان، فقط برای مردان به کار می‌رود. این دو کاربرد از یک سو شبیه یکدیگرند، اما از دو جهت با یکدیگر تفاوت دارند. شباهت، در کاربرد همه آن‌ها به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز است. اما تفاوت‌ها، نخست آنکه درجه تحقیرآمیز بودن ویژگی‌های منسوب به زنان، به مراتب بالاتر از ویژگی‌های منسوب به مردان است. دوم آنکه نام حیوانات به کاررفته در وصف زنان، تنها درباره شخصیت است و نام حیواناتی که برای توصیف مردان به کار می‌رود، به ظاهر و هوش مربوط می‌شود.
- کوچس (۲۰۰۵: ۳۸) باور دارد وقتی پدیده‌ای انتزاعی، از نظر استعاری، بین افرادی که به جامعه‌های زبانی و فرهنگی گوناگون تعلق دارند، به صورتی یکسان درک می‌شوند، سه احتمال وجود دارد: نخست، این شباهت کاملاً تصادفی است؛ دوم، یکی از زبان‌ها این استعاره را از زبان دیگر وام گرفته است؛ سوم، انگیزه‌های جهانی سبب وجود استعاره‌های مشابه در این فرهنگ‌هاست. ویژگی‌های مشترک میان زبان‌ها در استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات، نه حاصل تصادفی بودن است و نه وام‌گیری؛ بلکه این شباهت‌ها به سبب وجود انگیزه‌های جهانی است. این بدان معناست که در زبان‌ها، گرایش در کاربرد بیشتر نام حیوانات به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز دیده می‌شود تا اصطلاحات تحبیبی. همچنین ظاهر و شخصیت، بیش از هوش و عادت‌های غذاخوردن در کانون توجه است.

براساس دیدگاه‌های شناختی به استعاره، شباهت‌های میان استعاره‌های زبان‌های گوناگون را انگیزشی جهانی می‌توان دانست و آن را در قالب نظریه تجسد مطالعه کرد. این نظریه، بر خصوصیت پیوسته و انگیزنده رابطه میان تجربیات بدنی پیش‌زبانی یا غیرزبانی و شناخت تأکید می‌کند (سینها^{۳۴} و ینسندولوپز^{۳۵}، ۲۰۰۰: ۱۸). همان‌طورکه معالج^{۳۶} (ص ۸۸) نیز می‌گوید:

بدن و تجسد از دیدگاه علوم شناختی، فقط به تأثیرات فیزیولوژیکی، عصبی- فیزیولوژیکی ذهن و تعامل کالبد فیزیکی با دنیا محدود نمی‌شود، بلکه تجربیات اجتماعی- فرهنگی را نیز دربر می‌گیرد. به بیانی دیگر، در نظریه تجسد^{۳۷}، بافت فرهنگی- اجتماعی (که بدن در آن قرار دارد) را نیز باید در نظر گرفت.

به نظر می‌رسد شماری از این عبارات‌های استعاری، فقط در گویش خاص گیلکی اشکورات به کار می‌رود. به تبعیت از کوچس (۲۰۰۵) می‌توان آگاهی از بافت، محیط فیزیکی و بافت فرهنگی را از دلایل عمده کاربرد اختصاصی این عبارات‌های استعاری در این زبان دانست.

آگاهی از بافت: بسیاری از اوقات دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، کامل می‌شناسیم و با آن در هماهنگی هستیم. به این معنا که ناخودآگاه، بعضی از جزئیات دنیا، از جمله خود ما را انتخاب و کنترل می‌کنیم. از نظر ما، دنیا از خود ما، محیط فیزیکی پیرامونمان، جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی محیط و بافت فرهنگی گسترده‌تر ساخته شده است. این جنبه‌های دنیا، هر یک می‌توانند باعث گوناگونی استعاری از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از محلی به محل دیگر و از زبانی به زبان دیگر گردند.

محیط فیزیکی: تفاوت‌های متعددی میان محیط‌های فیزیکی که مردم در آن زندگی می‌کنند، وجود دارد. از آنجاکه مردم ناخودآگاه خود را با محیط زندگی‌شان هماهنگ می‌سازند، استعاره‌های کاربردی آنان نیز با یکدیگر متفاوت است. منظور از محیط فیزیکی، جغرافیای محل، مناظر، حیات گیاهی و جانوری، محل سکونت، افراد دیگر و جز آن است. محیط فیزیکی مانند

جغرافیا، مناظر طبیعی و محل سکونت افراد نیز تأثیر بسزایی در وجود استعاره‌ها داشته است.

بافت فرهنگی: بافت گسترده‌ای است که فرهنگ و یا خرده‌فرهنگ برای درک مفاهیم خود از آن استفاده می‌کند. این مفاهیم شامل تمام دانسته‌های برجسته و بی‌نظیر فرهنگی و ارزش‌هایی است که فرهنگ و اصول حاکم بر آن را می‌سازد. این اصول حاکم و مفاهیم اصلی نقش بسزایی در درک استعاری دارند، زیرا چند حوزه عمومی (کلی) تجربیات را برای آن فرهنگ یا گروه فرهنگی فرا می‌گیرند. برای مثال، بوئرز^{۳۸} (۲۰۰۱) و دمکلیر^{۳۹} (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که مفاهیم *sheep* و *hat* در اصطلاحات استعاری زبان انگلیسی بسیار زیاتر از زبان فرانسوی است. در برابر، مفاهیم *food* و *sleeve* در اصطلاحات زبان فرانسوی زایایی بیشتری دارند. این دو معتقدند دو اصطلاح اولی، برای گویندگان زبان انگلیسی برجستگی بیشتری دارد، در صورتی‌که دو مفهوم دوم، برای فرانسوی‌زبانان مهم‌تر است.

۶. نتیجه‌گیری

مقایسه عبارت‌های زبانی این پژوهش با نتایج تحقیقات در زبان‌های دیگر، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهت‌های عمده عبارت‌اند از: الف) نام حیوانات بیشتر به صورت اصطلاحات تحقیرآمیز به کار می‌رود تا اصطلاحات تحبیبی؛ ب) بیشتر نام‌های حیوانات به وصف شخصیت و ظاهر اختصاص دارد و هوش و عادت‌های غذاخوردن جایگاه کمتری دارد. این شباهت‌ها به سبب وجود انگیزه‌ای جهانی است و در قالب نظریه تجسد که بر خصوصیت پیوسته و انگیزنده رابطه میان تجربیات بدنی پیش‌زبانی یا غیرزبانی و شناخت تأکید می‌کند، تبیین می‌شود.

ویژگی‌های متمایزکننده زبان گیلکی در حوزه استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات عبارت‌اند از: الف) ساخت واژی- نحوی تشبیه به‌عنوان پرکاربردترین ساخت برای انتقال استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات؛ ب)

تفاوت استعاره‌های ویژه زنان و مردان از حیث معانی و درجه تحقیرآمیز بودن آنها.

به نظر می‌رسد شماری از این عبارتهای استعاری، ویژه زبان گیلکی اشکورات است. آگاهی از بافت، محیط فیزیکی و بافت فرهنگی را می‌توان از دلایل عمده کاربرد اختصاصی این عبارتهای استعاری در این زبان دانست.

پی‌نوشت‌ها

1. Metaphors we live by
2. Lakoff
3. Johnson
4. source domain
5. target domain
6. mapping
7. conceptual metaphor
8. Animal metaphors
9. Wang
10. Dowker
11. Kovecses
12. Lawrence
13. Rodriguez
14. Shepard
15. Sommer
16. Abusively
17. Affectionately
18. Halupka-Resetar
19. Radic
20. Terms of abuse
21. Terms of endearment
22. Vocative
23. Colin
24. Animal idioms
25. Szamosfalvi
26. Animal vocatives
27. Sila ki
28. Goatly
29. Olateju
30. Roberto
31. Survey
32. Structured interview



۳۳. مصاحبه ساخت‌یافته تحقیق حاضر، براساس پرسش‌نامه‌ای است که در مقاله هالوپکا-رشتار و رادیچ (۲۰۰۳) به کار رفته است. این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متعددی استفاده شده است. در این پرسش‌نامه، افزون بر سؤال‌های یادشده، پرسش دیگری نیز دربارهٔ بسامد کاربرد نام هر یک از حیوانات (روزی یک بار، هفته‌ای یک بار، ماهی یک بار، سالی یک بار) در خطاب‌کردن انسان مطرح شده بود، اما هالوپکا-رشتار و رادیچ (همان) نتایج مربوط به این پرسش را مطرح و تحلیل نکرده‌اند. پرسش یادشده در تحقیق حاضر مطرح نشد؛ زیرا گویش‌وران قادر به پاسخ‌گویی به آن نبودند. به گمان آن‌ها، بسامد کاربرد نام حیوانات در خطاب‌کردن انسان به موقعیت‌های پیش‌آمده بستگی دارد. این به آن معناست که شاید در یک سال خاص، ماهی یک بار نام حیوانی را به کار ببرند و در سال دیگر، روزی یک بار.

34. Sinha
35. Jensen de Lopez
36. Maalej
37. Embodiment theory
38. Boers
39. Demecheleer

منابع

- پورهادی، مسعود (۱۳۸۵). *زبان گیلکی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- نخاوی، فاخته و اعظم استاجی (۱۳۸۸). «بررسی کاربرد مجازی نام حیوانات در زبان فارسی». *اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- Boers, F. & M. Demecheleer (1997). "A few metaphorical models in (Western) economic discourse". eds. W. A. Liebert, G. Redeker & L. Waugh. *Discourse and Perspective in Cognitive Linguistics*. pp. 115° 129.
- (2001). "Measuring the Impact of Cross-cultural Differences on Learners' Comprehension of Imageable Idioms". *ELT Journal*. 55. pp. 255° 262.
- Colin, N. (2005). *English and Swedish Animal Idioms: a Study of Correspondence and Variation in Content and Expression*. Final paper at Karlstad University; Karlstad.
- Faghih, E. (2001). "A contrastive Analysis of the Interpretations of Animal Metaphors in Persian and English". *The International Journal of Humanities*. No. 8:2. pp.1-16.
- Goatly, A. (2006). "Humans, Animals, and Metaphors". *Society & Animals*. No. 14:1. pp. 15-37.
- Halupka-Resetar, S. & B. Radic (2003). "Animal Names Used in Addressing People in Serbian". *Journal of Pragmatics*. No. 35. pp. 1891-1902.

- Kovecses, Z. (1997). "In Search of the Metaphor System of English".eds. M. Kurdi & J. Horvath. *Proceedings of the Third Biennial Conference*. pp. 323- 338.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lawrence, E. (1993). "The Sacred Bee, the Filthy Pig, and the Bat out of Hell. Animal Symbolism as Cognitive Biophilia".eds. S. Kellert & E. O. Wilson. *The Biophilia Hypothesis*. Pp. 301° 340.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: Chicago University Press.
- Maalej, Z. Forthcoming. *Metaphor, Embodiment, and Culture: Tunisian Arabic data*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Olateju, A. ().*The Yorùbá Animal Metaphors: Analysis and Interpretation*. Nordic Journal of African Studies. No. 14(3). pp. 368° 383
- Rodriguez, I. L. (2009). "Of women, Bitches, Chickens and Vixens: Animal Metaphors for Women in English and Spanish". *Culture, Language and Representation*. Vol. 7. pp. 77-100.
- Shahabi, M. & M. T. Roberto (2015). "Metaphorical Application and Interpretation of Animal Terms: A Contrastive Study of English and Persian". *Language in Contrast*. No. 15:2. pp. 280-293.
- Shepard, P. (1996). *The Others: How Animals Made us Human*. Washington, DC: Island Press.
- Sila N. R. (2009). "Animal Metaphors in Some Business-related Terms in English". *Across Languages And Cultures*. Herceg Novi. Mon-tenegro. June 4-6.
- Sinha, C. & K. Jensen de Lopez (2000). "Language, Culture, and the Embodiment of Spatial Cognition".*Cognitive Linguistics*. No. 11. pp. 17° 41.
- Sommer, R. & B. A. Sommer, (2011). "Zoomorphy: Animal Metaphors for Human Personality". *Anthrozoos*. No. 24:3. pp. 237° 248.
- Szamosfalvi, Z. (2011). *A comparative Study of Animal Names Used as Forms of Address and Description in English and Hungarian*. MA thesis. Institute of English and American Studies, Faculty of Humanities, Pázmány Péter Catholic University.
- Wang, C. & A. Dowker (2007). "Interpretation of Animal Metaphors: Evidence from Chinese and English Children and Adults". *Child Language Seminar*. No. 19. University of Reading, Reading.